

فرمانی از دوره صفویه

ابرج افشار

معرفی

هفده فقره سند که از میان دفینه‌های در رباط شرف (بنا به گفته محمد یوسف کیانی) به دست آمده و فتوکپی آنها را برای قراءت به من داده‌اند کلاً عبارت است از دو نوع، یک دسته حکم و خطاب و دستورهایی است در رابطه با زین‌الدین علی تکلو که میان ذی‌القعدة ۹۱۷ تا اواخر رمضان ۹۱۸ (طبق این اسناد) در خراسان سمت داروغگی داشته است. دسته دیگر اقرار و تعهدنامه‌هایی است از اشخاصی که به هنگام ورود به سرخس و یا در مسائل مختلف دیگر امضا کرده‌اند. متأسفانه کلیه فتوکپی‌ها کم‌رنگ است و بهمین علت مقداری از کلمات و عبارت در فتوکپی خوانده نمی‌شود. مخصوصاً مهر اسنادی که مهر شده است شناخته نیست و "سجع" آنها را نمی‌توان تشخیص داد. معرفی اسناد به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف - اسناد مربوط به زین‌الدین علی بیک تکلو

۱ - حکم شاه اسمعیل صفوی مورخ ذی‌القعدة ۹۱۷ خطاب به حکام و امراء داروغه و تیولداران و وزراء و متصدیان دیوانی خراسان که از ابتدای نوروز پیچی‌نیل کلیه اویماقات و تیولات و الوسات خراسان جزء "خاصه شریفه" شد، یعنی از املاک متصرفی خاص پادشاه و تصدی آنها به (عمادالملک؟) مسعود واگذار شد و زین‌الدین علی بیک تکلو به سمت داروغگی در آن صفحات منصوب است و کلیه مردم باید از او اطاعت کنند.

طبعاً نسخه اول این حکم آن بوده که به (عمادالملک؟) مسعود داده شده بوده و این نسخه علی‌القاعده نسخه ثانوی است که به زین‌الدین علی بیک داده شده بوده است.

گروه اسنادی که با فعالیت‌های علی بیک تکلو ارتباط دارد میان ماههای ذی‌القعدة ۹۱۷ تا ۱۵ رمضان ۹۱۸ صادر شده است، یعنی حدود یازده ماه و درین مدت او عنوان "سمت داروغگی راداشته و رسماً" در ماه ربیع‌الثانی ۹۱۸ به تصدی کار مذکور پرداخته بنحوی که بعداً اشاره می‌شود و اگر بعد از آن هم در خراسان بوده سندی نیست و از اینکه در دهم رمضان ۹۱۸ میرچلبی را به وکالت خود معین کرده قریباً است بر اینکه از آن ناحیه خارج شده است.

۲ - خطابی است از جانب متصدی املاک خاصه یعنی (عمادالملک؟) مسعود مورخ ربیع‌الثانی ۹۱۸ به عنوان زین‌الدین علی تکلو به منظور آنکه کلانتران و کدخدایان و رعایای اویماقات ولایت سرخس به محل‌های خود باز گردند و آسوده زندگی کنند. این خطاب دارای مهرست.

۳ - خطابی است از زین‌الدین علی تکلو مورخ رجب ۹۱۸ به کدخدایان و یوزبگیان در موضوع اینکه سه ماه است من به سمت داروغگی اویماقات سرخس آمده‌ام ولی شما به حضور من نیامده‌اید. وقتی که میرچلبی می‌آید با او به حضور بیائید. این خطاب دارای مهرست.

۹۱۷ به سمت داروغگی منصوب شده بود تا ربیع‌الثانی ۹۱۸ به سرخس برای تصدی امور نیامده بوده و اشاره سه ماه در سند شماره ۳ گواه است بر آن، همانطور که سند شماره دوم نیز دلالت بر همین معنی دارد. این خطاب دارای مهرست.

۴- خطابی است از زین‌الدین علی تکلو مورخ ۱۰ رمضان ۹۱۸ به یوزبکیان و کدخدایان اویماقات سرخس که میرچلی را از طرف خود به وکالت گذاشته‌ام. ازینجا برمی‌آید که زین‌الدین مذکور درین تاریخ سرخس را ترک کرده است. طبق این سند کلیه امور را بر عهده میرچلی گذاشته است. این خطاب دارای مهرست.

۵- خطابی است از زین‌الدین علی تکلو (مهر روش نیست و ظاهراً از زین‌الدین علی تکلوست و یک سطر از سند در فتوکی نیامده است) به پهلوان ولی که علی‌القاعده یکی از رؤسای اویماقات سرخس بوده است. طبق این نوشته حل و فصل امور بر عهده میرچلی واگذار شده بوده است.

۶- خطابی است از زین‌الدین علی تکلو (مهر روشن نیست و ظاهراً از زین‌الدین علی تکلوست) به میرچلی که پنجاه دینار تبریزی در وجه غلام علی (?) سپرداد. خطاب دارای مهرست. ۷- خطابی است از زین‌الدین علی تکلو (ظاهراً و مهر آن روشن نیست) مورخ ۱۰ رمضان ۹۱۸ به میرچلی که یک شوب خلعت به درویش محمدآقا بدهد.

۸- خطابی است از زین‌الدین علی تکلو (ظاهراً و مهر آن روشن نیست) مورخ ۱۰ رمضان ۹۱۸ به درویش محمدآقا (همان که طبق سند قبلی خلعت گرفته) که مزاحمت به مردم اویماقات نرساند. معلوم می‌شود این شخص از سرکشان آن صفحات بوده و چون مورد محبت قرار گرفته است به او خلعت داده‌اند.

ب- اقرارنامه‌های پیرمحمد و خوشمحمد (دو برادر)

از میان هفده سند دو سند مربوط است به پیرمحمد از مردم باورد که به سرخس وارد شده بوده است و با خود اجناسی از بادغیس آورده که در هنگام ورود مورد رسیدگی قرار گرفته و صورت برداری شده است. بادغیس را در سند بصورت "باد قیث" نوشته‌اند.

۹- اقرارنامه پیرمحمد ۱۲ رمضان ۹۱۸ دایر بر اظهار اینکه چه اجناسی همراه داشته است. چند نفر ذیل اقرارنامه گواهی کرده‌اند.

۱۰- اقرارنامه خوش محمد برادر پیرمحمد مورخ رمضان ۹۱۸ در همان مورد مذکور در فوق و معرفی اجناسی که برادرش همراه داشته است. ذیل این سند را هم چند نفر گواهی کرده‌اند.

ج- تعهدنامه و اقرارنامه‌های افراد دیگر

۱۱- تعهدنامه جمادی (?) بن حاجی علی مغول نسبت به اویماق حاجی بیک که مطلبی را پوشیده ندارد. مورخ ۲ رمضان ۹۱۸. پنج نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۲- تعهدنامه لطف‌الله بن شاه علی که نسبت به اویماق حاجی بیک مطلبی را پوشیده ندارد. مورخ ۲ رمضان ۹۱۸. سه نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۳- اقرارنامه دایر بر تهمت زدن نسبت به یار علی مورخ ۹۱۸. سه نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۴- تعهدنامه چند نفر که هنگام رفتن به اویماقات تخلفی نکنند. تاریخ ندارد. مهر دارد ولی خوانا نیست. چهار نفر آن را گواهی کرده‌اند.

۱۵- تعهدنامه دو یا سه نفر که به هنگام رفتن به اویماقات تخلفی نکنند. تاریخ ندارد. مهر

دارد ولی خوانا نیست. سه نفر آن را گواهی کرده‌اند.

د - دو سفارشنامه

۱۶ - نامه بدون مشخصات ارسال‌کننده، خطاب به مولانا حاجی محمود که از طرف خود کسی را فرستادم و هر نوع رفتار کنید مختارید.

۱۷ - نامه بدون مشخصات ارسال‌کننده (ولی ظاهرًا از همان شخص و به یک خط است) خطاب به امیر بدرالدین بیک که ظاهرًا در یکی از محال خراسان سمت وزارت داشت در موضوع آنکه از طرف کسی را فرستادم و هر نوع در مورد او مصلحت بدانید مختارید.

این دو نامه ظاهرًا مربوط به یک قضیه و یک نفر است که از جانب نویسنده نامه به محلی اعزام شده بوده است و این دو نامه در حقیقت دو سفارشنامه است.

* * *

آنچه بطور کلی در باره این اسناد باید گفت این است که زین‌الدین علی تکلو به هنگام ترک سرخس این مقدار از اسناد را در رباط شرف بجای گذاشته و از و به یادگار مانده است و ظاهر آن است که پس از آن به سرخس برگشته است. دیگر آنکه نام این شخصی که داروغگی آن محال را بر عهده داشته در کتب معروف عصر صفوی، احسن‌التواریخ، خلاصه‌التواریخ و عالم آرای عباسی دیده نشد و چون اتفاق مهمی در دوران داروغگی او نیفتاده بوده است پس آن تواریخ موردی و مطلبی نداشته‌اند تا، نام او را در ضبط آورده باشند.

الف - اسناد مربوط به زین‌الدین علی تکلو

۱ - حکم شاه اسمعیل صفوی

- (۱) هوالله سبحانه
- (۲) بسم الله الرحمن الرحيم
- (۳) یا علی
- (۴) الحکم لله
- (۵) ابوالمظفر اسمعیل بهادر سیوز و میز
- (۶) حکام کرام نامدار و امراء عظام عالی‌مقدار و داروغه و تیولداران و وزراء و متصدیان مهمات و اعمال دیوانی و متکفلان
- (۷) امور و اشغال سلطانی ممالک محروسه خراسان احسن‌الله تعالی احوالهم بدانند که از ابتدای نوروز سلطانی
- (۸) پیچی‌ئیل تمامی اویماقات و تیولات و الوسات آنجا را بخاصه شریفه همیون مخصوص گردانیده امارت... ایشان به انیس‌الحضرت‌العلیه السلطانیة جلیس‌الدولة العلیة الخافانیة، رکن - الخلافة القاهرة غصن السلطنة الباهرة
- (۹) ... الاقبال مسعود... تفویض فرمودیم و ارزانی داشتیم. می‌باید که زین‌الدین علی بیک تکلو... اقبال پناه مومی‌الیه را داروغه اویماقات و الوسات و تیولات مذکوره دانسته (۱۰) تمامی را به تصرف مشارالیه و اختیار او گذارند و آنچه... در معامله قوی‌ئیل دروجه... امراء کرام و غیرهم مقرر بوده... از هرگونه بموجبی که یرلیغ عالم مطیع به نفاذ پیوست و پروانچه که

مذکوران مخصوص و مأخوذ ندارند و مطالبتی ننمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده داشته هر یک از اویماقات

(۱۲) در هر جا از بلاد و ولایات که بیلامیشی بدستور یا یلاق و قیشلاق نموده بعلت علف - خوار و . . . و گوسفند و سرگله و سایر تکالیف اجراجات پیرامون ایشان نگردند و قضیه که در میانه ایشان واقع شود

(۱۳) واحداشی که روی نماید صاحب اولی بعلت آنکه در اولکاه او نبشته شده مدخل ننماید و پرسش آن را به امر مومی الیه که داروغه خاصه شریفه است مخصوص و متعلق داند و مطلقاً به قلیل و کثیر طمع و توقع در سرکار مذکور نکند

(۱۴) و حوالتی ننماید. امراء و سرخیلان و جماعه مشایخ و کلان تران و کدخدایان و عموم (کذا) رعایا الوسات و اویماقات و تیولات و احشامات مذکوره بهمه ابواب مستظهر و مستمال بوده مومی الیه را

(۱۵) داروغه خود دانند. از سخن و صوابدید او که هرآینه موجب رفاهیت رعایا و گواهی دیوان خواهد بود بیرون نرفته . . . و قضیه که روی نماید بدو رفع گردانند که بموجب سوءالات بطریق رعیت پروری

(۱۶) به عرض برساند و چیزی از پوشیده و پنهان ندارند و لوازم اطاعت و مراسم انقیاد . . . و بچار و بساق او حاضر کرده و همچنین مقرر فرمودیم که مبلغ یکهزار تومان تبریزی

(۱۷) از وجوهی مال و جهات و حقوق دیوانی پیچی نیل سرکار مذکور به دستور که مستأجران که . . . مذکوره در دیوان اعلی مقرر نموده مقطع گردانده به تحصیل او به وصول رسانند که . . . خزانه عامره شده حواله حوالات نماید

(۱۸) و تتمه به دستور که . . . للداران شده باشد بهوقف او سامان کند و فرع تحصیل هر یک از قرار ده یک بموجبی که در تحصیل بروات مستوفیان دیوان اعلی قرار داده باشند شناسند و مطلقاً

(۱۹) بزواید پیرامون عجزه مساکین نگردد و رسم تخطی ننهد. از مخالفت محترز باشد. امر مشارالیه حسبالمسطور مقرر دانسته و رعایت رعایا که اصابع الخالق البرایانند بواجبی نموده نگذارد که بهیچوجه

(۲۰) حشم از وجوه زیادتی پریشان ننماید و منع ستم شریک در خانه ایشان نموده دست اقویا او ضعفا کوتاه گرداند و اگر دادخواهی . . . نوع غور و بزرسی او نموده حکمی

(۲۱) حق . . . داده عندالخالق و الخلائق مأجور و مشکور افتد. تحریراً " فی ذی القعدة سنة ۹۱۷ و م

۲ - خطاب مسعود به زین الدین علی

- (۱) هو العزیز
- (۲) علی تكلو سیوزوم
- (۳) کلانتران و کدخدایان و رعایا اویماقات ولایت سرخس مستظهر و مستمال بوده
- (۴) از سر امیدواری هر چه تمامتر متوجه محل مألوف گردند و بهیچوجه من الوجوه
- (۵) تفرقه بخود راه ندهند و من کل الوجوه خاطر جمع دارند و مهمات و ملتسمات خود رفع گردانند که

(۶) بشرف عقد و فصل مقرون گردد. توجه درین باب نمایند. تحریراً فی

(۷) شهر ربیع الثانی سنه ۹۱۸ (محل مهر)

۳- خطاب زین الدین علی تکلوه به کدخدایان

- (۱) هوالمعز
- (۲) کدخدایان و یوزبگیان ایل بدکورحی (کذا) بدانند که مدت سه ماه شد اینجانب به داروغگی
- (۳) اویماقات سرخس آمده و تا غایت بحضور نیامده... این صورت فیما بین... می... که در زمانی که
- (۴) مفخرالاعظم میرچلبی بحضور برسد باتفاق مشارالیه بحضور آئید که اکنون... ایشان معلوم گردد.
- (۵) رود و بهره چه حکم فوری شود عمل نمائید. درین باب
- (۶) قدغن دانسته توجه نمایند. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۹۱۸ (محل مهر)

۴- خطاب زین الدین علی تکلوه به یوزبگیان

- (۱) هو
- (۲) یوزبگیان و کدخدایان اویماقات سرکار سرخس بدانند که بنا بررفاهیت حال ایشان افتخارالاعیان
- (۳) میرچلبی را از وکالت خود گذاشته که نگذارد کسی به بیحساب و دست انداز مزاحم و متعرض مردم اویماقات
- (۴) شود. می باید که مشارالیه را وکیل این جانب دانسته هر قضیه و یرغو که در میانه ایشان واقع شود
- (۵) بدو رفع نمایند که بموجب راستی و طریق رعیت پروری تفصیل برساند و نگذارد که برعایا حیف
- (۶) و میلی واقع شود و نوعی با مردم معاش کند که مردم راضی و خشنود باشند. چنانچه در زمان سؤال از عهده جواب
- (۷) بیرون تواند (آمد). درین باب قدغن دانسته توجه نمایند و در عهده دانند.
- (۸) تحریراً فی ۱۰ شهر رمضان المبارک ۹۱۸ (محل مهر)

۵- خطاب زین الدین علی تکلوه به پهلوان ولی

- (۱) هو
- (۲) پهلوان ولی را اعلام گردانیده نوعی نمایند که
- (۳) به مردم اویماقات زیادتی و بیحسابی واقع نشود و یرغوی
- (۴) و قضیه که واقع شود بحضور... میرچلبی پرسش نمایند
- (۵) و نوعی نکنند که مردم عرصه مملکه... طمعی در سر کار اویماقات بکنند

- (۷) اویماقات می‌گیرند . . . خود از عهده بیرون خواهد آمدن
 (۸) . . . که درینجا باشد برطرف خواهد شد و خطی که گرفته‌ام

۶- خطاب زین‌الدین علی تکلو به میرچلیبی

- (۱) میرچلیبی پنجاه دینار تبریزی
 (۲) در وجه غلام علی که
 (۳) از بابت وجوهات خاصه . . . مجراست
 (۴) "تحریرا" فی شهر رمضان سنه ۹۱۸ (محل مهر)

۷- خطاب دیگر زین‌الدین علی تکلو به میرچلیبی

- (۱)
 (۲) میرچلیبی یک ثوب نیکو از جمله
 (۳) وجوهات خاصه که بدو رجوع شده در وجه خلعت
 (۴) درویش محمد آقا خدایگان که در هنگام
 (۵) حساب مجرا و محسوب خواهد بود
 (۶) "تحریرا" فی ۱۰ شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸ (محل مهر)

۸- خطاب زین‌الدین علی تکلو به درویش محمد آقا

- (۱) هو
 خدایگانی (مربوط به بعد از محمد آقا در سطر بعد)
 (۲) درویش محمد آقا می‌باید که اصلا "پیرامون
 (۳) مردم اویماقات نگردد و مزاحمت به رعایا نرساند
 (۴) و گذارد که به درویشی خود مشغول شوند که
 (۵) حسب‌الحکم بخاصه شریفه متعلق‌اند و به ایشان ندارند
 (۶) و پروانچه بلباس حاصل نموده باشند بسپارد
 (۷) بعهده میرچلیبی که نگذارد مزاحمت بحال
 (۸) رعایا برساند . درین باب توجه نمایند
 (۹) "تحریرا" فی شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸ (محل مهر)
 ستون دست چپ
 (۱) بیت
 (۲) اسباب‌نامه رویی ما بی‌نهایت است (؟)

- (۳) هانگام (کذا) دستگیری وقتی عنایت است (؟)
- (۴) عرض بنده آنکه حالا داعیه آن داریم
- (۵) خواست اله باشد درودیعیت (؟) مشهد
- (۶) و دیگر پوشش نداریم . عنایت نموده
- (۷) پوشش شفقت نمایند در عندالله

ب - اقرارنامهها

۹ - اقرارنامه پیرمحمد

- (۱) هو
- (۲) خط داد پیر محمد که از ولایت باورد که یک . . . کفش و کفش کیمخت
- (۳) آوردهام و بغیر این هیچ چیز دیگر نیاوردهام و اگر خلاف
- (۴) این معنی ظاهر گردد مجرم و گناه (کذا) کار باشم و مبلغ یکهزار دینار کپکی
- (۵) جرمانه داده باشد . تحریرا" فی تاریخ ۱۲ شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸
- (۶) بخط الفقیر الداعی محمود فخرالدین سبزواری
- (۷) بگواهی ابل فضل (؟)
- (۸) بگواهی قل علی میراشکار
- (۹) بگواهی برهان قل
- (۱۰) بگواهی استاد خداویردی (؟)

حاشیه

- (۱) ورخوتها، دیگر را که شرح
- (۲) خواهد داد از بادقیث (کذا)
- (۳) آوردهام و اگر خلاف
- (۴) ظاهر گردد مجرم باشد
- (۵)

بقچه	پیش انداز
عدد	عدد
- (۶)

جام	تابه
عدد	عدد

۱۰ - اقرارنامه خوشمحمد

- (۱) هو
- (۲) مقصود ازین نوشته آنکه اغروق (؟) نمود خوش محمد بحضور جماعتی که اسامی
- (۳) خود . . . مسطور . . . خواهد نمود که برادر (؟) من پیر محمد از ولایت باورد
- (۴) دو . . . کفش و یک بقچه و یک تابه و جام و یک جفت
- (۵) کفش کیمخت و پیشانداز از ولایت مذکور خود خود (کذا مکرر)
- (۶) آورده و اگر خلاف ظاهر گردد مجرم بوده جرمانه . . .
- (۷) تحریرا فی تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۹۱۸

- (۹) محمود بن فخرالدین
 (۱۰) بگواهی برهان قول
 (۱۱) بگواهی اهل فضل
 (۱۲) بگواهی استاد خداو بردی (?)

ج - تعهدنامه و اقرارنامه‌های دیگران
 ۱۱ - تعهدنامه جمادی (?) بن حاجی علی

- (۱) هو
 (۲) خط داد و قبول نمودند که جمادی بن حاجی علی مغول و دیگر... بن حاج علی
 (۳) که ما از قبل دوغنه ایماقات حاجی بیک و قل حسن آقا در میانه
 (۴) مهمات ایماقات راستی کنیم و در میان مهم ایماق باشیم و هیچ مهمات
 (۵) ... و غیره از حاجی بیک و قل حسن آقا پنهان و پوشیده ننماید
 (۶) و اگر پنهان و پوشیده نمائیم گناهکار و مجرم (کذا) باشیم و مقدار دو هزار
 (۷) دینار کپکی جرمانه داده بدین موجب خط داده و سچلکا قبول نمودیم
 (۸) تحریراً ۲ شهر مبارک رمضان سنه ۹۱۸

حاشیه

- (۲۰۱) حرره العبد
 (۴۰۳) بگواهی محمد آقا
 (۶۰۵) بگواهی غلام علی
 (۸۰۷) بگواهی ولی ...
 (۱۰۰۹) بگواهی ... آقا

۱۲ - تعهدنامه لطف‌الله بن شاه علی

- (۱) هو
 (۲) خط داد و قبول نمود لطف‌الله بن شاه علی که در میان
 (۳) ایماقات از قبل حاجی بیک و قل حسن آقا ایمن باشیم
 (۴) و راستی کنیم و هیچ چیز از حاجی بیک و قل حسن آقا
 (۵) پنهان و پوشیده نداریم و اگر پنهان و پوشیده ما
 (۶) ظاهر گردد مجرم (کذا) بوده خط در یک هزار دینار کپکی
 (۷) جرمانه داده می‌باشیم بدین موجب خط داده و مچلکا قبول کردیم
 (۸) تحریراً ۲ شهر مبارک رمضان سنه ۹۱۸

حاشیه

- (۲۰۱) حرره العبد ...
 (۴۰۳) بدین موجب است محمد آقا
 (۶۰۵) بدین موجب است مقصود آقا

۱۳ - اقرارنامه مربوط به تهمت زدن به یارعلی

- (۱) هو
- (۲) خط داد و قبول نمود... علی بن رستم (۴) غانجی بی اکراه و اجبار که
- (۳) من یار علی بن... را توحمت (کذا) کردم که تو را دو سرگوسفند داده
- (۴) ام. او دو سرگوسفند را... را رشوات (کذا) داده بودم و این یار علی
- (۵) مذکور را توحمت (کذا) کرده و... و تنکه بغیر حق ازو گرفته بروم
- (۶) پیش داروغه گان ایماقات گناه کارم
- (۷) بحضور شهود عدول. سنه ۹۱۸

حاشیه

- (۲۱)
- (۴۳) بگواهی محمد بن حیدر
- (۶۵) بگواهی ...

۱۴ - تعهدنامه چند نفر

- (۱) هو
- (۲) خط دادن (کذا) و قبول نمودن (کذا) ملازم ...
- (۳) ... مآبی خواجه که ... محمد و علی
- (۴) و فقیر علی ... که از هر محل
- (۵) ... که در میان ایماقات میرویم بموجب راستی
- (۶) میکنیم و اگر از یکدینار ... دینار و بل صد دینار
- (۷) ... و به هزار دینار از وکیلان اوبی
- (۸) وقوف قبلی ظاهر شود ... هزار دینار
- (۹) داده گوش و بینی ما را بورید (۴) ... (محل مهر)

حاشیه

- (۲۱) بحضور شهود عدول
- (۴۳) بگواهی شاهوم علی
- (۶۵) بگواهی
- (۸۷) بگواهی مقصود

۱۵ - تعهدنامه سه نفر

- (۱) هو
- (۲) خط دادن (کذا) و قبول نمودند میرزا احمد و شاهوم علی و سلطان احمد
- (۳) که در میان ایماقات ... و ایمنی میرویم هر آن وقتی

- (۵) از یکدینار تا بهزار دینار ایشان (کذا) بی وقوف
 (۶) قلبی نمائیم و اگر قلبی مشاهده شود گناه کار بوده
 (۷) جرمانه دو هزار دینار داده... باشیم در حضور حکام... (محل مهر)

حاشیه

- (۲۰۱) بگواهی....
 (۴۰۳) بگواهی علی آقا
 (۶۰۵) بگواهی قل حسن آقا

د - سفارشنامه‌ها

۱۶ - سفارشنامه خطاب به مولانا حاجی محمود

- (۱) هو
 (۲) مولانا اعظمی و اکرمی و استظهاری (اسعده) الله فی الدارین مولانا اعظم
 (۳) مولانا حاجی محمود را سلام فراوان و
 (۴) تحیات بی پایان قبول و مطالعه
 (۵) نمایند و دیگر بعد از رأی شریف آنکه از کسان اینجانب به ملازمت
 (۶) شما ارسال نموده شد در میانه حیفتای از مهمات... اگر باشد
 (۷) کسان اینجانب را بهر نوع روی به راه کردند حاکمند
 (۸) زیاده مبالغه ننویسد، والسلام

۱۷ - سفارشنامه خطاب به امیر بدرالدین بیک

- (۱) هو
 (۲) جناب اخوی اعتمادی اکرمی استظهاری اسعده الله فی الدارین
 (۳) امیر بدرالدین میرک سلام فراوان و دعاء بی پایان قبول نمایند
 (۴) بعد انهاء رأی، وظیفه آنکه جناب... وزارت مآبی و حکومت دستگاهی
 (۵) از سبب مصلحت... در محل عظیم مبالغه و اهتمام تمام نموده بودند
 (۶) در ملازمت آن جناب کسی فرستاده شد. چنان چه مصلحت... را
 (۷) بهر نوع که صلاح می بینید حاکمند. وم

حاشیه

- (۱) شاهوم علی را فرستادم
 (۲) آنچه ارسال نمایند حاکمند

